

یادداشت

پابندی امام خمینی (ره) به گفتمان انقلاب



رسول منتجب‌نیا

فعال سیاسی اصلاح‌طلب

گفتمان انقلاب تنها در سخن گفتن متجلی نبود بلکه به صورت الزامی و اجتناب ناپذیر در منش و روش مسئولین امور و نخبگان نیز عینیت پیدا کرد. حضرت امام(ره) هم در عمل و گفتار خود بر این گفتمان پابند بودند و هم تأکید داشتند که مسئولان امر نباید از این گفتمان عبور کنند. به عنوان مثال عباراتی مانند «با برهنه‌ها و مردم مستضعف اولیای ما هستند و ما خدمتگزار آنها هستیم» در گفتار امام(ره) بود و در رفتار هم ایشان همچون یک فرد عادی، یک روحانی که هیچ سمتی ندارد در زندگی فردی و خانوادگی این اصل را رعایت می‌کرد، به گونه‌ای که این فرهنگ در جامعه ما ریشه دار شد. گاهی برخی به صورت افراطی سرمایه‌دار و ثروتمند بودن را ضد ارزش تلقی می‌کردند به همین دلیل یک سرمایه‌دار سعی می‌کرد که ثروت خود را مخفی نگاه دارد تا مردم متوجه آن نشوند، چه برسد به زندگی اشرافی و تجملی که در دیدگاه مردم مردود بود. به ویژه اگر فردی از خواص، مسئولان، روحانیون چنین زندگی‌هایی داشتند مردم به آنها بدبین می‌شدند در آن‌ها فاصله می‌گرفتند. امام هم بارها میاهات می‌کردند و به مردم می‌فرمودند که ما خوشحالم مسئولان ما عموماً از طبقات پایین اقتصادی جامعه هستند. کسی می‌تواند درد جامعه را درک کند که خودش در کشیده باشد و فقر و تنگدستی را تجربه کرده باشد. افرادی که در یک زندگی مرفه بزرگ شده باشند یا زندگی تجملی و اشرافی داشته باشند، به هیچ وجه نمی‌توانند درد جامعه را درک کنند. از این رو پیامبران الهی تا ائمه معصومین(ع) هرگز زندگی اشرافی نداشتند بلکه طبق روایات، پیامبران دورانی در فقر بودند و با کشاورزی، دامداری، چوپانی روزگار می‌گذراندند و براساس فرموده پیامبر (ص) «الفقر فخری»؛ فقر و تنگدستی را افتخاری می‌دانستند. پیامبر اسلام(ص) بارها توصیه کردند که مساکین و فقرا را دوست بدارید و با آنها هم‌خوار شوید و از آنان فاصله نگیرید. خود حضرت هم همیشه در میان فقرا و مساکین قرار می‌گرفتند و کسی تشخیص نمی‌داد که پیامبر کدام یک از آنهاست. امروز هم اگر چنین حالتی در میان مسئولان به‌وجودآید، علاقه و اعتماد مردم به مسئولان روز به روز بیشتر می‌شود و مردم می‌توانند کمبودها، کاستی‌ها، تورم، گرانی و امثال ذلک را تحمل کنند. از قدیم گفتند اگر همه از سختی، ناراحتی و فقر سهمی داشته باشند، این سختی‌ها برای همه شیرین است و تلخ نمی‌شود. اما نقطه مقابل، اگر چنانچه مردم ببینند که مسئولان زندگی مرفهی دارند، زندگی فردی و اداری آنها تجملاتی و تشریفاتی است یا رانت و اسفاده از تسهیلات فوق‌العاده عمومی در میان اعضای خانواده و بستگان آنهاست، آن زمان است که مردم در این می‌شوند. ساده زیستی امام و یاران نزدیک ایشان سبب دلگرمی و آرامش مردم بود. حضرت امام(ره) وقتی به قم برگشتند در یک منزل اجاره‌ای زندگی می‌کردند و بعد هم که پزشکان توصیه می‌کنند که باید از قم به جای منطقه دیگری بروند، ایشان به منزل امام جمارانی آمدند و آنجا را اجاره کردند و حسینیه جماران را به عنوان محل سخنرانی و ملاقات‌های خودشان انتخاب کردند. من قبل از انقلاب به این منزل و حسینیه رفته بودم، پس از حضور امام(ره) در این منزل، همان حالتی که قبلاً داشتم، مانده بود و امام (ره) خود ندادند حتی دیوارها را با گچ سفید کنند تا حالت معمولی پیدا کند. خوراک و لباس امام هم بسیار ساده بود. یاران امام نیز زندگی عادی و معمولی داشتند و به همین دلیل هم مردم به آنها عشق می‌ورزیدند و آنها را الگو قرار می‌دادند و همه اینکه برای مردم سختی‌ها و کمبودها شیرین می‌شد لذا مردم توانستند در طول ۸ سال دفاع مقدس آن سختی‌ها و کمبودها را تحمل کنند.

نکته

روایتی از روز خداحافظی باامام خمینی (ره)

در روز یازدهم خرداد حضرت امام با وجود تنگی نفس که نیمه شب گذشته به آن مبتلا شدند، توانستند در فضای باز بیمارستان با نزدیکان ملاقات کنند، اما با این وجود ایشان درد شدیدی را در روزهای پایانی حیات تحمل می‌کردند. امام خمینی (س) که چند روز پیش مورد عمل جراحی قرار گرفتند و روزهای پس از آن را در بیمارستان سبری می‌کردند، در روزهای اخیر دچار مشکلات جسمانی شدند، از جمله آنکه نیمه شب گذشته به تنگی نفس مبتلا شدند. در روز یازدهم خرداد تعداد گلبول های سفید به سرعت افزایش یافت، و فرمول خون حضرت امام (س) تغییر کرد، به همین خاطر دکتر منادی زاده و دکتر رافت مجدد برای تسهیل گیری به تیم پزشکی ملحق شدند، به علاوه دکتر فریدون عزیزی استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی نیز برای مشاوره از سوی تیم پزشکی حضرت امام (س) دعوت شدند. صبح این روز امام به شدت احساس خواب آلودگی می‌کردند که این موضوع بعداً ظهر نسبت به صبح کاهش یافت، اما هنگام شب دوباره شدت یافت. در روز یازدهم خرداد امام حدود دو ساعت را با تخت در محوطه باز بیمارستان استراحت کردند و نزدیکانشان را ملاقات کردند، همچنین نماز ظهر و عصر را در همان فضای باز اقامه کردند. حضرت امام (س) در روزهای پایانی حیاتشان، درد بسیاری را تحمل کردند، این موضوع در خاطرات دختر گرامی ایشان خانم صدیقه مصطفوی اینگونه بیان شده است: «یک بار که از ایشان سوال کردم که حالتان چطور است آیا درد هم دارید؟ فرمود: «همه بدنم درد است.» اما جز در پرس و جوی پزشکان و ما ابتدا به ساکن اظهار درد نمی‌کرد. گاهی که صورتشان را نزدیک ایشان می‌بردیم صدای درک و تسبیح ایشان را می‌شنیدیم. گاهی که چشم باز می‌کردند اگر مورد خلایف ا را می‌دیدند تذکر می‌دادند مثلاً یکبار به خواهر زاده‌ام آقا مسیح گفتند: «تو چرا درس را تعطیل کرده‌ای؟ زود به قم برگرد من در همه دوران تحصیل یک ساعت وقت درس را به کار دیگری ندمه‌ام». یکبار شنیدم که می‌فرمودند: «خدایا دیگر مرا پذیر.» بزرگترین نگرانی ایشان در آن ایام نماز بود پیوسته چشم باز می‌کرد و وقت نماز را سوال می‌فرمود. مرحوم برادرم به توصیه پزشکان برای تأثیر داشتن داروهای مسکن به ایشان گفت باید اینقدر از وقت سوال نکنید ما را سه ساعت نماز به شما تذکر می‌دهیم اما با وجود این غلبه با یاد خدا بود که مانع تأثیر ضعف ناشی از داروها و بیماری می‌شد. چند بار سراغ علی آقا برادر زاده‌ام را گرفتند که او را اختمشان آورده بودند. قلب ایشان دچار نوسان شد. ممکن خطراتی که احتمال می‌دادند، یکی پس از دیگری از راه می‌رسید. لحاتی که برادرمان عوض شده بود و دیگر کلمات امید بخش از کسی شنیده نمی‌شد.

غلامعلی رجایی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

بادیدگاه‌های امام‌پیشی‌نرفتمیم ضربه‌خوردیم

امام (ره) معتقد بودند که جناح‌ها باید با هم بالانس باشند

امام توجه بالایی به مردم داشت

عکس: آرمان ملی /فاطمه فتاحی

پنجشنبه
۱۳۰۳۰۱۴۰
۲۰ ذی‌القعدة۱۴۴۳ / ۲۰ جولی ۲۰۲۲

سال پنجم
شماره ۱۲۹۰

armanmeli.ir



آرمان ملی: در میان رهبران جهان تا به امروز، کمتر شخصیتی به جامعیت امام خمینی (ره) بروز کرده است. شخصیت استثنایی و اسطوره‌ای که توانست از یک جمع پریشان و پراکنده، یک امت متحد بسازد و بزرگ‌ترین انقلاب قرن را برپا کند و باز به دلیل همین جامعیت‌اش بود که میلیون‌ها نفر، به استقبالش رفتند، هزاران نفر جان و مالشان را فدای راهش کردند و میلیون‌ها نفر در تشییع پیکرش، او را بدرقه کردند. همین شخصیت بی‌ظلی و رهبری مقتدرانه امام خمینی(ره) بود که مقام معظم رهبری در خصوص ایشان فرمودند که «این انقلاب بی‌نام خمینی در هیچ جای جهان شناخته شده نیست.»
شخصیت امام خمینی(ره) دارای ابعاد گوناگون بود و هر از گاهی بعدی از ابعاد وجود ایشان نمایان می‌شد. همین امر است که موجب شده با گذشت ۳۳ سال از عروج ملکوتی بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی بسیاری هنوز هم معتقد به این مساله هستند که باید اندیشه‌ها، آرمان‌ها و تفکرات امام(ره) در حوزه‌های مختلف برای جامعه و به‌خصوص نسل جدید و جوان تبیین شود تا جامعه بیش از گذشته با اندیشه‌های امام(ره) آشنایی یابد و این مساله نیز صرفاً به ایام رحلت بنیانگذار انقلاب اسلامی یا ایام دهه فجر محدود نگردد و در تمامی ایام سال اندیشه‌های امام(ره) برای جامعه تشریح شود. در این راستا برای بررسی لزوم تبیین اندیشه‌های امام (ره) در جامعه، انقلابی‌گری در نظر امام(ره) و مسائل این حوزه «آرمان ملی» با غلامعلی رجایی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و مشاور سابق مرحوم آیت‌اا، هاشمی رفسنجانی رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

پس از آن تا سال آینده، لذا معتقدم شخصیت امام(ره) تبیین نشده و من به عنوان کسی که بیش از دو سه دهه است در مورد امام فکر کردم، می‌نویسم می‌گویم که امام واقعا چهره‌ای دوست‌داشتنی و کمپاب در تاریخ ایران و حوزه بوده است. اگر رهبری امام(ره) نبود در جنگ نمی‌توانستیم موفقیتی کسب کنیم، ایشان قاطعانه می‌گفت که حصر آبادان باید شکسته شود. خرمشهر باید آزاد شود و همه اینها شد. با اینکه امام(ره) نه فرمانده نظامی بود و نه دانشگاه جنگ رفته بود اما در جنگ از این جهت رهبری دانا و توانا داشتیم و هرچند نتوانستیم صدام را اساقط کنیم اما خاک خود را نیز از دست ندادیم. فراموش نکنیم که آنها می‌خواستند خوزستان و جزایر را جدا کنند و اروندر ا عراقی کنند که همه اینها ناکام ماند. ناظر سازمان ملل هم گفت که عراق متجاوز است و باید غرامت دهد، هرچند که در راه دریافت غرامت مثل کویت موفق نبودیم.

«برخی که ادعای انقلابی بودن و همراهی با امام(ره) را داشتند بعدها رویکردهای جدیدی اتخاذ کردند؛ این امر به جهت تغییر کلی رویکرد بود یا به جهت تغییرات زمانی؟

خود ما هم امام(ره) را آنطور که باید درک نکردیم و جنگ مشکلات کشور را به سستی برد که چون برنامه‌ای منسجمی برای اداره کشور نداشتیم قاعداً فکر کردیم که راحل‌ها را باید در بیرون از اندیشه امام(ره) پیدا کنیم. مجالس مختلف با نگرش‌هایی که داشتند باعث شدند راحل‌ها را در آنجا پیدا کنند و شد آن چیزی که اکنون می‌بینیم. زمانی شهید رجایی می‌گفت بی‌دست می‌شود زندگی کرد اما بی‌مردم نمی‌شود. خود حضرت امام(ره) نیز می‌فرمود: «کاری که نمی‌توانید به مردم پاسخ دهید انجام ندهید» به نظر من یک جور بی‌برنامگی بود که تعمد و ترس نبود. مقداری هم علیه تفکرات و رقابت‌های سیاسی باعث شد که اختلاف نظرهایی در درون جبهه انقلاب شکل بگیرد و اینها به کنار زدن رقیب فکر کنند و اینگونه که امام(ره) می‌گفت همه با هم باشید افراموش کنند. در حالی که امام(ره) معتقد بود جناح‌ها باید با هم بالانس باشند اما می‌بینید که در دولت و مجلس چه سمت‌گیری‌هایی وجود دارد. من بارها نسبت به مجلس و دولت تذکره کرده‌ام یعنی نتوانستید دو نفر هم از دولت قبلی آن هم با این معدل ارزشیابی کارآمدی مدیرانی که وزیر شدند را حفظ کرده‌و از آنها استفاده کنید. همه ما باید با هم باشیم و همه یکدیگر را تحمل کنیم، ما از امام(ره) سخن می‌گوییم و برای تجدید میثاق با

از دیدگاه شما ابعاد شخصیتی، دیدگاه‌ها و آرمان‌های امام(ره) چه میزان برای نسل جدید تبیین شده است و چه اقداماتی باید صورت گیرد؟

ما نتوانستیم امام(ره) را به نسل جوانی که از ایشان جز تصویر و صادی نشیند به‌شناسیم. جامعه ما نیز نسبتاً جامعه جوانی است و آینده کشور نیز دست این نسل است. بنابراین باید پرسید دستگاه رسانه‌ای و فرهنگی تبلیعی، مساجد و مدارس چقدر از امام و آرمان هایش به مردم و دانش آموزان می‌گویند؟ امر خطرناک نیز این است که امام را مناسبتی کنیم، یعنی ۱۳ و ۱۴ خرداد به امام(ره) بپردازیم و دیگر نگوییم تا دهه فجر و

عمادافروغ:

مردم شرط‌مشر وعیت نظام‌بود، نه مصلحت‌اندیشی صرف

مصلحت‌اندیشی بر بسیاری از امور غالب شده است

دکتر عماد افروغ محقق، پژوهشگر و جامعه‌شناس برجسته کشور تأکید دارد که امام(ره) همواره دقت داشتند و مراقب بودند که سیاست‌ها و رفتارهای اقتصادی، اختلالی در حیات روزانه اقتصادی مردم ایجاد نکنند و در کل به بالا و پایین شدن قیمت‌ها توجه داشتند.

«دیدگاه امام نسبت به رسیدگی به مردم و محرومان چه بود و چه اولویت و جایگاهی برای این مساله قائل بودند؟

پرسش شما را می‌توان به دو بخش «مردم» و «محرومان» تقسیم کرد، مردم اعم از محرومان هستند و می‌تواند محروم یا غیرمحروم باشد. بنابراین پرسش صحیح این است که مردم نزد امام و در انقلاب اسلامی و به‌طور خاص جمهوری اسلامی چه جایگاهی دارند؟ این موضوع را باید ذیل فلسفه سیاسی یا مشروعیت تعریف کرد. معتقدم که حضرت امام(ذیل فلسفه سیاسی پیامبر اکرم(ص)، امام علی(ع) و امام حسین(ع) عمل کردند. فلسفه سیاسی‌ای که «مشرعیت» را «دو مولفه‌ای» می‌داند. «مشروعیت» به معنای قانونیت یا استقرار یک نظام سیاسی است و «دو مولفه‌ای» بودن آن شامل دو بعد شرعیت یا حقایق، ناظر به ویژگی اشخاص حاکم و رضایت عامه یا مقبولیت است. بارها تکرار کرده‌ام اینکه گفته می‌شود مشروعیت و مقبولیت اشتباه فاحشی، به‌خصوص در فلسفه سیاسی اسلامی است. به این دلیل که مقبولیت بخشی از مشروعیت است.

«محرومین نزد امام(ره) چه جایگاهی داشتند و دیدگاه ایشان نسبت به محرومان چگونه بود؟

امام خمینی(ره) بارها بر مساله زاغه‌نشینان و محرومان تأکید داشتند و این تأکید هم به دلیل ویژگی‌ها و خصایص محرومان، هم به دلیل وجه اکثری آنها و هم به دلیل آرمانی متعالی به نام «عدالت اجتماعی» است. امام هم به دلیل ویژگی‌های اخلاقی و صفات محرومان، هم به دلیل وجه اکثری آنان به محرومان گرایش و توجه ویژه دارند و این را می‌توان ذیل نام مالک اکثر نیز جست‌وجو کرد. امام علی(ع) به مالک اکثر، نقل به مضمون، می‌فرماید که محرومان و طبقات فرودست جامعه کسانی هستند که بیشترین یاری را به تو می‌رسانند و کمترین توقع را دارند و اگر نیاز داشته باشی، دست تو را می‌گیرند، برخلاف سایر اقشار که کم‌ترین یاری را به شما می‌رسانند و بیشترین توقع را دارند. توجه به محرومان علاوه بر صفات محرومان و وجه اکثری آنان ریشه در عدالت خواهی امام نیز دارد. دیدم به عدالت اجتماعی در واقع جایگاهی بالاتر از دو وجه مربوط به صفات محرومان و وجه اکثری آنها دارد. اسلام و به تبع آن حکومت اسلامی یک هدف عمده دارد و آن «عدالت اجتماعی» است و امام(ره) بارها بر عدالت اجتماعی تأکید داشتند و یکی از استدلال‌های ایشان این بود که پیامبر(ص) حضرت علی(ع) با بنیت هدف و انگیزه بسط عدالت اجتماعی تشکیل حکومت دادند.

«حمایت امام از محرومین در چه سطوحی بود،

اگر دفاع از محرومین از منظر امام(ره) را به عدالت و به‌طور خاص عدالت اقتصادی گره بزنیم، آن زمان می‌بینیم که عدالت چه جایگاهی نزد امام دارد، این عدالت فقط یک بحث انضمامی و پیش پا افتاده و حتی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیست و بالاتر از اینهاست. امام(ره) تأکید داشتند که «عدالت شأنی از توحید است» یعنی عدالت را به توحید گره می‌زنند. هنگامی که عدالت شأنی از توحید می‌شود یعنی کسی نمی‌تواند دم از توحید و الوهیت بزند، ولی توحیه به عدالت نداشته باشد. عدالت یک وجه فردی و یک وجه اجتماعی دارد و در وجه اجتماعی، بعد «سیاسی و فرهنگی و اقتصادی» نیز مستتر است. همه این وجوه را باید با هم دید و نباید دچار تقلیل‌گرایی شد. عدالت اجتماعی یک عنصر محوری به نام عدالت اقتصادی دارد.

به رغم توجه به ابعاد دیگر عدالت اعم از سیاسی و فرهنگی، نباید فراموش کرد که حتی عدالت سیاسی و فرهنگی نیز می‌توانند به گونه‌ای به استقرار عدالت اقتصادی کمک کنند، به شرطی که دچار تقلیل‌گرایی نشویم، اذهان را به سمت ساده زیستی خوی نگیرد و خود را به یک زندگی ساده عادت ندهد، امکان ندارد که بتواند مدافع واقعی مستضعفان و درد محرومان باشد.

چرا پس از گذشت بیش از ۴ دهه

از انقلاب، همچنان به چنین وضعیتی دچار هستیم؟

حساسیت نسبت به عدالت اجتماعی کاهش پیدا کرده و مسائل دیگری اهمیت پیدا کرده است و از سوی دیگر مصلحت‌اندیشی غالب شده است. این مسائل واقعیت‌های تلخی است که باید به آنها توجه و ریشه‌یابی کرد. اندیشه و رفتار و نگاه امام(ره) اجازه نمی‌داد که ولنگاری در اقتصاد ما شکل بگیرد و عده‌ای بدون حساب و کتاب بتوانند بعضاً حتی به نام دفاع از مستضعفان مال اندوزی کنند و حق محرومان و مستضعفان را تضییع کنند. کسی که با ساده زیستی خوی نگیرد، امکان ندارد که بتواند مدافع واقعی مستضعفان و درد محرومان باشد.

از نظر امام(ره) چه کسانی با چه ویژگی‌های اخلاقی، عملی و رفتاری می‌توانند خدمتگزار مردم باشند؟

کسی که درد محرومیت نجشیده، نمی‌تواند مدافع واقعی محرومان باشد. دفاع از محرومان با حرف و شعار نیست، من نمی‌گویم که الزاما کسی عملاً زاغه‌نشین باشد، می‌تواند زاغه نشین نباشد اما زندگی او در سطح زاغه نشینان باشد، یعنی به زندگی در حد طبقه متوسط پایین خوی بگیرد. امام(ره) زاغه نشین نبود، اما عملاً زندگی ایشان زیر طبقه متوسط بود و بسیار ساده زیست و قناعت‌پیشه بودند. بنابراین کسی که با ساده زیستی خوی نگیرد و خود را به یک زندگی ساده عادت ندهد، امکان ندارد که بتواند مدافع واقعی مستضعفان و درد محرومان باشد.

فرارو

روایت «آرمان ملی»

از توجه امام خمینی به مردم

کاری بکنید که دل مردم را به‌دست‌یاورید

امام (ره) توجه زیادی به مردم و خواست آنها داشت. جمهوریت از موضوعاتی است که رمز پیروزی و پایداری عنوان شده است. امام خمینی (ره) احساس رضایتمندی مردم از حکومت را از عوامل ماندگاری آن می‌داند و در ساحت مسائل اعتقادی اهمیت این موضوع را به گونه‌ای مطرح می‌کند که این احساس، رضایت خداوند را نیز به دنبال خواهد داشت و در نتیجه تعامل مردم با حکومت، موجب پایداری قدرت و استحکام آن می‌گردد. «کاری بکنید که دل مردم را به دست بیاورید، پایگاه را پیدا کنید در بین مردم. وقتی پایگاه پیدا کردید، خدا از شما خیلی راضی است، ملت از شما راضی است.» در ادامه به پند آموزی از وضعیت تاریخی نظام پیشین، اشاره می‌کند: «ما از این تاریخ موجودی که بر ما گذشت، باید عبرت بگیریم، اگر پایگاه داشت این مرد(محمد رضا شاه) بین مردم، اگر نصف قدرتش را صرف کرده بود برای ارضای مردم، هرگز این قدرت به هم نمی‌خورد، هرگز با او مخالفت نمی‌شد. لکن مردم الان هم قدرتش را روی هم گذاشت بر ضد مردم به طوری که اگر می‌رفت به زیارت حضرت (ضاح)، هر که می‌شید می‌گفت دارد حقه بازی می‌کند.» مردم ایران گرچه در سابقه تاریخی خود در عصر مشروطیت، چند صباحی طعم آزادی و حق تعیین سرنوشت خویش را تجربه کردند، اما به تحولات و پیشامدهای به وجود آمده در پس آن، دوباره دچار خودکامگی و استبداد حکومت‌ها شدند که در این نوشتار فرصت پرداختن به آن نیست فقط یادآوری این نکته لازم است آنچه بر این ملت گذشت، بسیار سهمگین و طاقت فرسا بود تا اینکه در پرتو نهضت امام خمینی (ره)، دریچه‌های آزادی یکی پس از دیگری بر روی آنان گشوده شد و مردم با رویکرد و این روی هوشمندانه‌تر از گذشته بر تعیین سرنوشت خود تسلط یافتند. امام(ره) از همان روزهای نزدیک به پیروزی انقلاب اسلامی خبر از برگزاری انتخابات می‌داد و این حق را از حقوق مسلم مردم اعلام می‌کرد و پس از پیروزی نیز بر عهد خود با مردم وفادار ماند و همواره بر نقش‌نظارتی و مشورتی مردم پافشاری می‌کرد. تعبیری از این قبیل که «مجلس در رأس امور است»، گویای این مهم بود چراکه نمایندگان مجلس شورای اسلامی گرد آمده از گوشه گوشه این سرزمین پهناور هستند که می‌توانند در مقام تحقق خواسته‌های همه مردم باشند. امام(ره) در باب نظارت مردم در فرآز یکی از سخنان خود به یک گفت‌وگوی تاریخی این گونه اشاره می‌کند: «اگر خدای نخواست یک کس پیدا شد که یک کار خلاف کرد، اعتراض کنند همه مردم، مردم همه به او اعتراض کنند که آقا چرا این کار را می‌کنی؟ و بعد اعتراض کنند که عمر وقتی که گفت (در منبر بود به کجا) اگر من یک کاری کردم، شما چه بکنید؟ یک عربی کشمشیرش را کشید و گفت: ما با این شمشیر راستش می‌کنیم. باید این طوری باشد.» آنچه گفته شد، شمه کوتاهی بود و جستاری ناقص، در طرح و بیان دیدگاه معمار بزرگ انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) و پیرامون شأن و منزلت مردم و حضور آنان در عیبه اجتماع بر اساس سنت و سیره رسول ا. (ص)، امید آنکه تذکری گردد برای همه کسانی که در مقام خدمت بر آمده‌اند. در ختام این مقال جهت حسن آن، فرازی از سخنان مقام معظم رهبری در باب سیره امام خمینی(ره) نقل می‌گردد: «مام(ره) ما برای حیات دوباره اسلام، همان راهی را پیمود که رسول معظم(ص) پیموده بود؛ یعنی راه انقلاب را. در انقلاب اصل بر حرکت است. حرکتی همدار، منسجمیده، پیوسته، خستگی ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص... در انقلاب اسلامی چند خصوصیت مهم وجود داشت که همه منطبق بر حرکت اسلامی بود... دوم آنکه برای تحقق این هدف از توده‌های منومن و آگاه و دردمند و فداکار و نه از احزاب و گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی – نیروی انسانی لازم گرفته شد و رهبر حکیم نصرت را پس از توکل بر خدا، از نیروهای لایزال مردم جست‌وجو کرد.»

اشاره به نقش مردم در تفکر امام

آیت‌اا... سید حسن خمینی هم در این باره توضیح دادریشه تفکر انقلاب بر این اساس است که مشروعیت حکومت‌ها به آرای مردم است. تعبیر اینکه «میزان رأی ملت است» از حضرت امام(ره) که تغییر ساده انگارانه نیست. یادگار امام (ره) تصریح کرد: ما پذیرفتیم وقتی جمهوری اسلامی شکل می‌گیرد یک کشور هستیم و از خلیفه گری خارج شدیم. جهان تشییع پذیرفته است که رئیس‌جمهوری دارد که با رأی مردم انتخاب می‌شود، نه پنج متر این طرف‌تر از مرز حق رأی به آن دارد نه ده متر آن طرف‌تر. این مرزها معنادار شده است و شخصیت حقوقی پیدا کرده است. پس سومین مساله این است که داریم درباره سیاست خارجی یک کشور صحبت می‌کنیم. وی چهارمین پکنه را قید «سلامی» آن دانست و گفت: این قید یعنی باید ارزش‌هایی که پیامبر اسلام و ائمه اطهار مطرح کردند، این مجموعه بر اساس مصمیمات ما حاکم باشد، اولین آن همان سیاست موازنه منفی و نه شرقی نه غربی است. اما این سوال مطرح می‌شود که هر رفت و آمد و داد و ستدی و محاسبه گری وادادگی است؟ کجای این سیاست استمرار اسلامی دارد؟